



راهکارهای مسئولیت‌پذیری در مؤسسات آموزش عالی: مروری بر برخی تجارب

داخلی و جهانی

رضوان حکیم‌زاده^۱ و زهره رهسپار*^۲

چکیده

چرخش جهانی از رویکرد توسعه اقتصادی به سمت توسعه پایدار، دانشگاه‌ها را وامی‌دارد که با نگاهی دقیق به جنبه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی، فعالیت‌های خود را توسعه دهند و درکی عملیاتی از پدیده‌های اجتماعی بروز دهند که این مقوله، مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنان را ضروری و برجسته می‌نماید. هدف عمده از تأسیس دانشگاه‌ها، تأمین نیروی کار و تربیت متخصصین فنی، اقتصادی و سیاسی بوده است ولی امروزه رسالت اجتماعی دانشگاه‌ها دارای ابعادی برانده‌تر و پررنگ‌تر شده است و هدف از تشکیلات مؤسسات عالی در زمینه‌های اجتماعی نهفته است و باید از افق بالاتری به حوزه‌ی کارکردهای دانشگاه‌ها نگریست. هرچند مسئولیت‌پذیری اجتماعی عمدتاً یک مفهوم داوطلبانه را القا می‌نماید اما برای این‌که بتوان بستر مناسب برای ورود دست‌اندرکاران و ذینفعان دانشگاهی را به این مقوله مهم فراهم کرد باید هم در جهت تبیین مفهوم و ابعاد مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها تلاش شود و هم برای سهولت در انجام اقدامات متناسب، تجربه‌های عملی مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها بازنمایی شود. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر مرور مبانی نظری برای تعیین چارچوب مفهومی مناسب است تا به‌عنوان سازه تحلیل اسناد برای بررسی تجارب عملی دانشگاه‌ها از آن بهره‌جست و در نهایت بر مبنای آن تجارب داخلی و جهانی را ارائه کرد. در این پژوهش از روش تحلیل اسنادی استفاده شده است و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در سه حیطة مدیریت، تحولی و هنجاری دانشگاه‌های داخل و خارج تجارب ارزشمندی دارند که می‌تواند در اتخاذ راهکارهای مناسب برای ارتقای کارکرد جامعه‌محور آن‌ها متناسب با رویکرد نسل چهارم دانشگاه‌ها موردتوجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مؤسسات آموزش عالی، نظریه ذینفعان، توسعه پایدار

^۱ دانشیار گروه برنامه‌ریزی درسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران.

^۲ نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری گروه برنامه‌ریزی درسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران،

مقدمه

در وضعیت فعلی و درگیری همه‌جانبه‌ی جهان با کووید ۱۹ و پیامدهای شیوع آن و آشفتگی نوع بشر با تمام دستاوردهای علمی و فناورانه‌اش در مواجهه با این ویروس، زنگ خطر برای تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی در همه زمینه‌ها به صدا درآمده است و اگر یکی از ارکان اصلی تولید علم و فناوری را دانشگاه‌ها بدانیم، در حال حاضر با وضع موجود جهان می‌باید انگشت اشاره به سمت توسعه مسئولیت اجتماعی مؤسسات آموزش عالی نشانه گرفت. در مسائل داخلی کشور نیز اخبار ناخوشایندی که در این اثنا از عدم مدیریت صحیح چالش‌های اقتصادی و آسیب‌های ناشی از رویدادهای طبیعی، بحث‌ها و مشکلات حسابرسی‌ها و به تبع آن اختلاس و دیگر مسائل از این دست که به گوش همگان آشنا است، شاید علتی بر حفره‌ی عمیقی است که در نپرداختن به مقوله مسئولیت‌پذیری اجتماعی در مؤسسات آموزش عالی و حتی آموزش و پرورش وجود داشته است. بحث تعالی، یکپارچگی و توسعه پایدار در ایجاد فرصت‌های برابر برای رشد افراد انسانی، به‌سان نیروهای پیشران تغییر هرچه بیشتر دانشگاه‌ها را به‌سوی مسئولیت‌پذیری اجتماعی سوق می‌دهد. زمینه‌هایی چون مسئولیت‌های سازمانی دانشگاه‌ها آن‌ها را ملزم به پاسخگویی کرده است و در خلال آن رفاه‌طلبی و نگرانی از بابت حقوق بشر و مسائل دامن‌گیر محیط‌زیست، عواملی هستند که خودبه‌خود مؤسسات تحصیلات عالی را به ورطه مسئولیت‌پذیری می‌کشانند. باین‌حال لو^۳ و همکارانش (۲۰۱۷) مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها را مفهومی تازه و پویا می‌دانند که در حال حاضر در مرحله اکتشاف قرار دارد (بخاری^۴، ۲۰۱۷). دانشگاه‌ها فرصت خوبی برای ایجاد رفاه جامعه هستند (راموس^۵، بارانا مارتینز^۶ و اودت^۷، ۲۰۱۷) در این رهگذر سازمان‌ها و مؤسسات آموزش عالی در گوشه و کنار جهان تلاش خود را می‌کنند که از این مقوله بهره اساسی را در راه رسیدن به جامعه‌ای مطلوب و رفع موانع موجود ببرند. در ایران نیز نشانه‌هایی از ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها در حال مشاهده است و برخی از دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه جامع تهران در این زمینه پیشرو بوده‌اند. باینکه وجود دانشگاه‌ها یک پدیده اجتماعی است اما به نظر می‌رسد رسالت آن تنها در حوزه‌ی ایجاد علم و تربیت نیروی متخصص که بعد از فارغ‌التحصیلی روانه بازار کار می‌گردند، محدود شده است و از ابعاد اجتماعی بودن خود کاسته است، لذا مقوله مسئولیت‌پذیری اجتماعی مؤسسات آموزشی عالی آمده است که بار دیگر حل علمی و تخصصی مسائل و مشکلات جامعه را فرا روی

³ Lo

⁴ Bokhari

⁵ Ramos

⁶ Barrena-Martínez

⁷ Audet

دانشگاه‌ها قرار دهد و بدین گونه بر مسائل بشری فائق آید چراکه دانشگاه‌ها با تصمیمات راهبردی می‌توانند هر تأثیری را با تأسی بر مسئولیت اجتماعی بر جامعه ایجاد کنند (راموس، بارانا، مارتینز و اودت، ۲۰۱۷). با وجود تنوع زیاد در تعاریف مفهومی مسئولیت‌پذیری دانشگاه‌ها، اشتراکات فراوانی در آن‌ها وجود دارد که تا حدودی درک این موضوع را شفاف و قابل لمس می‌نماید اما آنچه به عملیاتی شدن این مفهوم می‌انجامد، شاید اولین مانع در راه رسیدن به اهداف مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها است. بر این اساس در تحقیق حاضر تلاش شده است که بر اساس یک چارچوب مفهومی، برنامه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها را از طریق بررسی تجارب واقعی که بینش عمیقی در این رابطه به دست می‌دهند شناسایی کند و راهکارهای ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی را با ذکر نمونه‌های عملی از کارکردهای موفق دانشگاه‌ها ارائه دهد. مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به‌طور فزاینده‌ای در بیانیه‌های کمیسیون‌های تجاری و شرکتی جهت نشان دادن ضرورت دفاع از ارزش‌های مشترک و افزایش حس همبستگی و انسجام به‌کاررفته است که به فراخور ضروریات اجتماعی وارد مباحث مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی گردیده است. از این رو تعاریف بسیاری از مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق همین کمیسیون‌ها و مؤسسات شرکتی و تجاری عنوان شده است و بیشتر آنان بر روابط متقابل جنبه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی و تأثیرات فعالیت‌های یک سازمان متمرکز هستند. در این راستا تعریف شورای تجارت جهانی در جهت توسعه پایدار بیان می‌دارد: «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در واقع تداوم تعهدات سازوکارهای تجاری به ارائه رفتارهای اخلاقی و الزام کمک به توسعه اقتصادی است؛ ضمن توجه داشتن آن‌ها به بهبود کیفیت زندگی نیروی کار و خانواده‌های آن‌ها هم به‌عنوان جامعه محلی و هم مفهوم جامعه به‌طور کلی» (واسیلسکو، بارنا، اپورو^۹ و بیکو^{۱۰}). به نظر می‌رسد بیشتر بحث در مورد اهمیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر پیوستاری از انگیزه‌های تعالی علمی و یکپارچگی گرفته تا برابری فرصت‌ها منطبق باشد که بدون شک نتیجه پیامدهای آن، رشد و توسعه آموزش عالی باشد که این دامنه می‌تواند شامل مواردی مانند شکل‌گیری فضای آموزش و در تجزیه و تحلیل تارنماهای دانشگاه‌ها، زمینه‌های مربوط به حاکمیت سازمانی (به‌عنوان مثال، پاسخگویی)، شیوه‌های کاری و اداری (به‌عنوان مثال، رفاه دانشجویان و کارمندان)، نگرانی‌ها در مورد حقوق بشر و محیط‌زیست، به‌کارگیری شیوه‌های عملیاتی (به‌عنوان مثال، مشارکت عمومی) و توجه به مسائل دانشجویان (به‌عنوان مثال، دسترسی به اطلاعات) و همچنین تمرکز بر مشارکت و

⁸ Vasilescu

⁹ Barna

¹⁰ Epure

¹¹ Baicu

توسعه جامعه باشد (آمورین^{۱۲}، فری‌رس^{۱۳}، لوجا^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۵). اگرچه تمام مفاهیم یا تعاریف توافق دارند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی تنها به جنبه‌های اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه جنبه‌های اقتصادی و زیست‌محیطی و سایر مسائلی که به جامعه مربوط می‌شود را نیز در برمی‌گیرد ولی با این وجود تعاریف متنوع و الگوهای مختلفی در این باره وجود دارد. در پنج شرطی که برک^{۱۵} و لوگدسون^{۱۶} (۱۹۹۶) برای مسئولیت‌پذیری جهت ایجاد فرصت‌های برای توسعه اجتماعی در نقش‌های عملی دانشگاه‌ها عنوان می‌کنند، نیازهای ذینفعان را در اولویت قرار می‌دهند و مقوله‌هایی چون هماهنگی اهداف و مأموریت‌ها، پیش‌بینی نیازها، عدم تحمیل هنجارهای خارجی و قابل‌مشاهده بودن اقدامات را برای ذینفعان را در ادامه ذکر می‌کنند و به یک نکته کلیدی در این رابطه می‌پردازند که توسعه مسئولیت‌های اجتماعی می‌باید موقعیت خاصی را برای دانشگاه مجری ایجاد نماید که وجه افتراق ویژه آن دانشگاه نسبت به سایر دانشگاه‌ها باشد (راموس، بارانا مارتینز و اودت، ۲۰۱۸)؛ اما در مجموع یکی از دلایل اصلی وجود مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها برآورده شدن نیازها و انتظارات ذینفعان است (راموس، بارانا مارتینز و اودت، ۲۰۱۹؛ بخاری، ۲۰۱۷؛ چن^{۱۷}، ناسونگخلا^{۱۸} و دونالدسون^{۱۹}، ۲۰۱۵؛ واسیلیسکو و همکاران، ۲۰۱۰؛ اولزاید^{۲۰} و بانی‌هانی^{۲۱}، ۲۰۱۵؛ آموریم و همکاران، ۲۰۱۷ و والایس^{۲۲}، ۲۰۱۷)، بنابراین مطالعه نظریه ذینفعان و درک اینکه ذینفعان چه کسانی هستند و تأثیر آن‌ها بر کار دانشگاه چیست بسیار اهمیت دارد. نظریه ذینفعان (فریمن^{۲۳}، ۱۹۸۴) آنان را گروه‌هایی می‌داند که اهداف، اقدامات، تصمیمات و فعالیت‌های یک سازمان معین را تحت تأثیر قرار می‌دهند یا تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرند. ریوول^{۲۴} (۱۹۹۷) ذینفعان اصلی دانشگاه‌ها بدین شرح نام می‌برد: دانشجویان و خانواده‌ها، کارکنان اداری و هیئت‌علمی دانشگاه، تأمین‌کنندگان کالا و خدمات، بخش آموزشی، سایر دانشگاه‌ها، تجارت و صنعت، ملت، دولت، مؤدیان محلی و ملی و مقامات و نهادهای حرفه‌ای (راموس، بارانا مارتینز و اودت، ۲۰۱۷). دانشگاه‌های اروپا در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ چهارچوبی در جهت مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها تدوین و منتشر کردند که در خلال آن به اصول اساسی مسئولیت اجتماعی در چندین شش فرایند می‌پردازد: (۱)

¹² Amorim

¹³ Freires

¹⁴ Loja

¹⁵ Burke

¹⁶ Logsdon

¹⁷ Chen

¹⁸ Nasongkhla

¹⁹ Donaldson

²⁰ Alzyoud

²¹ Bani-Hani

²² Vallaeys

²³ Freeman

²⁴ Rowley

مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها نیاز به ایجاد یک مدل مدیریت سلسله‌مراتبی (از بالا به پایین) دارد (۲) مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها را نباید به یک واحد اداری صرف تقلیل داد (۳) لزوم داشتن سازوکارهایی برای ارزیابی از تأثیرات فعالیت‌های انجام‌شده توسط دانشگاه‌ها در این زمینه (۴) تعامل و گفتگو پیوسته با ذینفعان (۵) داشتن شاخص‌هایی برای اولویت‌بندی‌ها و تأکید بر بخش‌های اثرگذارتر (۶) داشتن شفافیت و وضوح در ارزیابی نتایج. در این چهارچوب به تمام وظایف دانشگاه‌ها در راستای مسئولیت‌پذیری اجتماعی‌شان در قبال ذینفعان به‌صورت مفصل اشاره می‌شود و بحث می‌نماید و تمام رویکردهای مدیریتی، وظایف نهادی، دانشجویی و کارمندی را برای ارتباط با همه سطوح جامعه فرامی‌خواند (اجلاس دانشگاه‌های اروپایی، ۲۰۱۷). گائته مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها را حیطه سه رویکرد تحلیل می‌کند: رویکرد مدیریتی که به تجزیه و تحلیل تأثیر کار دانشگاه می‌پردازد و به تقویت روابط بین دانشگاه‌ها و ذینفعان می‌انجامد. رویکرد تحول‌آفرین که مؤسسات آموزش عالی را با مشارکت در بحث و تأمل از طریق تحقیق و آموزش با ذینفعان پیوند می‌دهد. رویکرد هنجاری که از طریق شبکه‌های ملی و بین‌المللی ارزش‌های دانشگاه را در جامعه پرورش می‌دهد و ارتقا می‌بخشد. دانشگاه‌ها دارای نقش مهمی در قبال آموزش، تحقیقات، امور اداری و خدماتی کارکنان تحت عنوان رویکرد مدیریتی و مسئولیت پاسخگویی هستند (راموس، بارانا مارتینز و اودت، ۲۰۱۷). در رابطه با رویکرد تحول‌آفرین، با توجه به اهداف برنامه توسعه پایدار^{۲۵} که سرلوحه وظایف نهادهای ذی‌ربط را تضمین آموزش باکیفیت، عادلانه و ترویج فرصت یادگیری مادام‌العمر برای همه می‌داند، باید مقوله مسئولیت‌پذیری اجتماعی محتوای کلیدی برنامه درسی دانشگاه‌ها را تشکیل دهد و بخش قابل‌توجه و لازم از تولید اخلاق شخصی و حرفه‌ای را در درون خود پیروارند. این محتوای آموزشی به دانشجویان اجازه می‌دهد تا مسئولیت اجتماعی، از مسائل شخصی تا سطح حرفه‌ای را در دوره تحصیل خود تمرین نمایند (برگوس گارسیا^{۲۶}، پژالازارپالومینو^{۲۷} و مارتینزوالدیوا^{۲۸}، ۲۰۲۰). از طریق تغییر در محتوای برنامه درسی و آموزش و تجهیز کردن آن به مسئولیت‌پذیری اجتماعی و گذر از انتقال دانش صرف، می‌توان تحولات زیربنایی را در ارکان اجتماعی جامعه به وجود آورد. از یک‌سو در ابعاد هنجاری، مدیران و کارکنان دانشگاه نیز باید تأکید مضاعف بر مسئولیت‌پذیری در برابر مردم، رفتار اخلاقی و لزوم پرداختن و تقویت تربیت شهروندان خوب داشته باشند و الگوهای مناسب و شایسته اخلاقی و حافظ و حامی سلامت جامعه، ایمنی و محیط‌زیست باشند (اولزاید و هانی‌بانی، ۲۰۱۵). مسئولیت‌های

²⁵ UNESCO. Education 2030

²⁶ Burgos-García

²⁷ Pegalajar-Palomino

²⁸ Martínez-Valdivia

اخلاقی به معنای فعالیت‌های دانشگاه در چارچوب پرورش یافتن شهروندی خوب است که مطابق با قوانین و مقررات موجود است و با عادات مثبت جامعه و موازین اخلاقی آن سازگاری دارد (بخاری، ۲۰۱۷). حتی والایس (۲۰۱۴) ابعاد اخلاقی مسئولیت‌پذیری را زمینه-ساز و مکمل خلاقیت سیاسی در بطن جامعه ذکر کرده است (والایس، ۲۰۱۴). به نظر می‌رسد حیطه‌هایی که گاتته برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها به آن اشاره کرده است بیشتر فعالیت‌ها را در این زمینه پوشش می‌دهد. لذا در این مطالعه از این چارچوب مفهومی در سه حیطه رویکردی مدیریتی، رویکرد تحولی و رویکرد هنجاری استفاده شده است.

روش‌شناسی

با توجه به واقعیت‌ها و چالش‌های مؤسسات آموزشی در توسعه و کاربرد مسئولیت‌های اجتماعی دانشگاه‌ها در زمینه‌های عملی، پژوهش‌ها و مقالاتی منتشر گردیده است که برخی از آن‌ها به ذکر نمونه‌های عملی پرداخته‌اند، لذا در این پژوهش از برخی از گزارش‌ها و پژوهش‌های معتبر و جدید که بینش مفهومی و تجربی عمیق و قدرتمندی درباره چگونگی انجام این کار ارائه می‌دهند، به روش سندکاوی و به‌کارگیری راهبرد تحلیل محتوای کیفی اولزاید^{۲۹} (۱۹۹۶) استفاده می‌شود که دارای شش گام به ترتیب زیر است: ۱) تنظیم ملاک-های انتخاب اسناد ۲) جمع‌آوری اسناد ۳) تجزیه و تحلیل نکات کلیدی اسناد ۴) مقوله‌بندی اسناد ۵) تأیید ۶) تحلیل (واچ و وارد، ۲۰۱۳).

نتایج

با توجه به یافته‌های نظری درباره مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها در این قسمت تجارب عملی دانشگاه‌ها در سه رویکرد مدیریتی، تحول‌آفرین و هنجاری ارائه می‌شود.

توسعه رویکرد مدیریتی مؤسسات آموزش عالی

دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای عمومی در زمینه‌های سیاسی و آموزشی با هدف دستیابی به رفاه جامعه، وظایف اجتماعی فراتر از وظایف قانونی و اقتصادی دارند و با در نظر گرفتن نیازهای کلیه ذینفعان که تحت تأثیر فعالیت‌های آن‌ها هستند، از طریق تصمیم‌گیری نهادی بهینه می‌توانند بر کل سیستم اجتماعی تأثیرگذار باشند (راموس، بارانا، مارتینز و اودت، ۲۰۱۷). مدیریت دانشگاه‌ها باید نقش اصلی را در ترویج مسئولیت‌پذیری اجتماعی بازی کنند زیرا مسئولیت اجتماعی رویکردی برای کمک به توسعه و گسترش علوم، فناوری و تحقیقات فراهم می‌کند. به عقیده ترک‌بیکاکلی^{۳۰} و برینت^{۳۱} (۲۰۰۵) دانشگاه‌ها می‌توانند مأموریت‌های

²⁹ Altheide's 'Process of Document Analysis'

³⁰ TurkBicakci

تحقیقاتی خود را متناسب با تولید عواملی که به نفع عموم مردم، اقتصاد محلی و جامعه باشد، تنظیم کنند. این عقیده التزام تلاش مشترک دولت‌ها و دانشگاه‌ها را فرامی‌خواند (ولزاید و هانی‌بانی، ۲۰۱۵). تجربه جهانی هم در این زمینه نشان داده است که نقش دانشگاه‌ها در توسعه پایدار به‌طور ویژه از طریق عملکرد مسئولیت‌پذیری دانشگاه‌ها تا ۲۴ درصد اثرگذار بوده است (بخاری، ۲۰۱۷). دکتر محمود نیلی احمدآبادی، رئیس دانشگاه تهران در آیین رونمایی از برنامه جامع اقدام ملی کاهش آلودگی هوا گفتند: «دانشگاه تهران حدود ۹ هزار دانشجوی دکتری دارد و ۲۴ هزار دانشجوی کارشناسی ارشد که حدود ۱۰ درصد آموزش عالی کشور است که این خود ظرفیت بزرگی است. اما به‌واقع در حال حاضر چه ارتباطی بین عناوین رساله‌های دکتری و دستگاه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر وجود دارد. اصلاً چه مکانیزمی در کشور طراحی شده است تا این دانشی که به‌واسطه رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها تولید می‌شود، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. مشکل کشور در حل چالش‌ها (عدم) دانش فنی نیست، البته نمی‌گوییم بر همه مسائل واقفیم اما ظرفیت آن را داریم. باید گفت بیشتر از اینکه مشکلات کشور دانش فنی باشد، فقدان زنجیره‌ای است که بتواند همه منابع کشور را در جهت راهبرد و استراتژی هماهنگ و همراه کند» (دانشگاه تهران، ۱۳۹۹). شاید بتوان اولین نقطه عملیاتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها را سازوکارهای نهادی و به عبارتی هماهنگی بین دانشگاه و دولت نامید. تا مسیر همواری بین مؤسسات عالی علمی و دستگاه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر وجود نداشته باشد، نمی‌شود انتظار داشت که تضمینی برای اجرای اهداف علمی دانشگاه‌ها وجود داشته باشد. دانشگاه‌ها با تصمیمات راهبردی می‌توانند هر تأثیری را با تعهد به مسئولیت اجتماعی بر جامعه ایجاد کنند. رانش نهادی نامی است که جوناسون (۲۰۰۸) بر روندهای جدید دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی نهادی است. این اصطلاح به این واقعیت اشاره دارد که در بسیاری از کشورها، نظام آموزش عالی به‌سوی مؤسسات ارائه‌دهنده برنامه‌ها و فعالیت‌های حرفه‌ای پیوسته‌اند. در نتیجه‌ی رشد وزن نسبی این برنامه‌ها، شاید تنش بین رویکردهای آکادمیک و عملی بیشتر محسوس شود (واسیلسکو، بارنا، ایپرو و بیگو، ۲۰۱۰). هنگامی جامعه می‌تواند به روابطش با دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی آموزش خوش‌بین باشد که برای تحقق اهدافش از طریق آن‌ها تضمین اجرایی وجود داشته باشد و به‌صرف طرح‌ریزی برنامه‌های راهبردی و استراتژیک امکان عملیاتی شدن اهداف وجود نخواهد داشت. رئیس دانشگاه تهران در ادامه سخنانش در آیین رونمایی از برنامه جامع اقدام ملی کاهش آلودگی هوا افزودند: «قطعاً چنین سیستمی در کشور وجود ندارد، البته در این زمینه از سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و نقشه جامع علمی کشور می‌توان نام برد، اما فقط بر روی

کاغذ هستند و شرط بعدی این نکته است که چگونه ما می‌توانیم این مسائل عنوان شده در اسناد را با منابع محدود خود هم‌راستا کنیم. سال‌ها است در دانشگاه‌ها به دنبال طراحی و پیاده‌سازی چنین اکوسیستم و زنجیره‌ای هستیم و احساس می‌کنم که هنوز نتوانستیم در این زمینه به یک درک مشترک با مجلس و سایر نهادها دست یابیم. در صورتی که این موضوع در دنیا به‌سادگی پیش‌بینی شده و برای حل آن صندوق‌های مالی در نظر گرفته شده است که تعیین‌کننده جهت‌گیری سیاست علم و فناوری در هر کشور است. ما در کشور از این نوع صندوق‌ها داریم، اما منابعی محدود دارند و رویکرد آن‌ها کاملاً منطبق با سیاست‌ها نیست. در این زمینه، از طریق شورای انقلاب فرهنگی و مجلس تلاش کردیم تا صندوقی را پیشنهاد کنیم تا عاملی باشد برای حمایت و تأمین مالی پایان‌نامه و یا رساله‌هایی که موضوع آن‌ها می‌تواند در جهت حل مسائل و مشکلات کشور تعریف شوند» (دانشگاه تهران، ۱۳۹۹). یکی از مباحث اصلی در رویکرد مدیریتی مسئولیت‌پذیری دانشگاه‌ها، تأمین بودجه و ارتباط تنگاتنگ دولت‌ها با مراکز آموزش عالی است. بر اساس مأموریت گسترش آموزش و تحقیقات عملی، دانشگاه‌ها نیاز به درخواست و افزایش بودجه تحقیقاتی دارند؛ بنابراین دولت‌ها و صنایع باید نقش عمده‌ای در کمک یا افزایش بودجه آن‌ها برای تحقیقات دانشگاه ایفا کنند که منجر به گسترش نقش دانشگاه‌ها در توسعه علوم پایه، اقتصاد دانش-محور و فناوری کاربردی می‌شود. این اندیشه با موفقیت توسط مدل تریپل هلیکس^{۳۲} طراحی شد که در گزارش اتووویتس و لیدس‌دورف^{۳۳} (۲۰۰۰) آمده است. بر اساس این مدل دانشگاه‌ها، صنایع محلی و دولت‌ها با مجموعه‌های مشترک و به هم پیوسته‌ای از اهداف و منابع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با یکدیگر مشارکت می‌کنند. این مشارکت‌ها همه طرف‌ها را ملزم به توسعه دارایی‌های انسانی می‌کند. علاوه بر این، تحقیقات دانشگاهی موجب تحریک توسعه منطقه‌ای، نوآوری و رشد خواهد شد. این مدل همچنین با ایجاد اتحاد استراتژیک بین نهادها، ابتکارات سه‌جانبه‌ای را برای توسعه اقتصادی مبتنی بر دانش ترویج می‌کند (اولزاید و هانی‌بانی، ۲۰۱۵). از جمله برنامه‌های راهبردی و عملیاتی جامع که تدوین و اجرا گردیده است، می‌توان به سومین برنامه راهبردی دانشگاه تهران ۱۴۰۰-۱۳۹۶ اشاره کرد که در مقدمه آن آمده است که این برنامه در جهت فعال‌تر کردن این دانشگاه در عرصه علم و عمل تدوین شده است تا بتواند تعهد خود را به این سرزمین و مردمانش با بهره‌گیری از مشارکت همه واحدهای دانشگاه و مطالعات تطبیقی دیگر دانشگاه‌های جهان پاس بدارد و از مزیت‌های آن مشارکت همه اعضای دانشگاه در تحلیل نقاط قوت، ضعف، تهدیدها، فرصت‌ها و نیز مشارکت در تدوین برنامه ذکر شده است. در این برنامه جامع به بیست اصل

³² Triple Helix

³³ Etzkowitz & Leydesdorff

در قالب اهداف عمل و اقدام پرداخته شده است و از این قرار مورد برنامه ریزی راهبردی قرار گرفته‌اند: توسعه‌ی کارآفرینی، توجه به اقتصاد دانش‌بنیان، افزایش بهره‌وری با تقویت عوامل تولید و توانمندسازی نیروی کار، افزایش سهم سرمایه انسانی در زنجیره تولید تا مصرف با ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه، اصلاح و تقویت نظام مالی، توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورها و استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با ایجاد تحول اساسی در ساختار و فرایند، شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد و جلوگیری از اقدام‌ها، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا و تقویت فرهنگ جهادی در کارآفرینی و تقدیر از نامداران این حوزه (سومین برنامه راهبردی دانشگاه تهران، ۱۳۹۶). این برنامه می‌تواند به‌عنوان یک الگوی کامل در جهت تدوین برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های کل کشور برای شکوفایی در امر مسئولیت اجتماعی آن‌ها باشد. در تجارب عملی دانشگاه‌های منطقه در امر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سازوکارهای نهادی به همراه تضمینی برای اجرا از طریق تدوین برنامه‌های جامع اقدام میسر گردیده است و این جنبه می‌تواند به رقابتی‌تر شدن دانشگاه‌ها کمک کند. نمونه عملی این موضوع را می‌توان در دانشگاه هاشمی در کشور اردن یافت که برای همکاری دانشگاه و صنعت توافق‌نامه‌های متعددی را با Zarqa Duty Free City مناطق صنعتی و کارخانه‌های محلی برای همکاری در برنامه‌های تحقیقاتی، آموزشی و صنعتی و تعالی و حفظ محیط‌زیست امضا کرده است. در حال حاضر دانشگاه هاشمی در حال راه‌اندازی برنامه جامع محیط‌زیست سالم و مسئولیت اجتماعی با یک شرکت صنعتی بزرگ در اردن است و قصد دارد از طریق این ابتکار عمل، این دو سازمان را به پیشروان شناخته‌شده توسعه پایدار در زمینه‌های بهداشتی، ایمنی، زیست‌محیطی و اجتماعی در اقتصاد دانش‌محور تبدیل کند. (ولزاید و هانی‌بانی، ۲۰۱۵). ابتکار عمل و تجربه بسیار ارزنده "برنامه جامع اقدام ملی کاهش آلودگی هوا" در بین سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ از سوی کنسرسیوم دانشگاه‌های بزرگ کشور با محوریت دانشگاه تهران و به درخواست سازمان حفاظت محیط‌زیست، نمونه عملی است که کاربرد رویکرد مدیریتی و اجرایی مسئولیت‌پذیری اجتماعی را کاملاً شفاف و واضح عرضه می‌نماید. در این برنامه بر اساس مصوبه هیئت‌وزیران قرارداد مطالعاتی با کنسرسیوم پژوهشی دانشگاه‌های برتر به‌منظور تولید فهرست انتشار آلاینده‌های هوا شامل منابع انسان‌ساز و تدوین و ارزیابی سناریوهای اصلی کاهش آلودگی هوا در کلان‌شهرها منعقد شد که در شاخص‌های مرامنامه آن آمده است: همکاری و هم‌افزایی دانش فنی در دانشگاه‌های پیشرو کشور، طراحی پروژه در قالب یک ساختار سامانه پویا به‌نحوی که بانک اطلاعاتی و محاسبه موجودی انتشار، قابلیت به‌روزرسانی را داشته باشد، تدوین و تهیه اطلاعات لازم به‌منظور تدوین طرح‌های جامع کاهش آلودگی هوا، ارزیابی اثربخشی

سناریوهای مختلف و انتخاب شیوه مناسب با توجه به خصوصیات هر کلان‌شهر در بهبود و ارتقا کیفیت هوا (ارزیابی مالی و اقتصادی، اثربخشی و فنی) (دانشگاه تهران، ۱۳۹۹). نمونه عملیاتی دیگر "الگوی مثلث توسعه اقتصادی، فرهنگی" است که در راستای احیای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) و همچنین خلق کسب‌وکار اجتماعی به منظور تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، جهش تولید و ارتقا تاب‌آوری نظام‌های اجتماعی - اکولوژیک، دانشگاه تهران با همکاری شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان (معین اقتصادی خواف)، استانداری خراسان رضوی، سازمان نهاد مردمی اقتصاد مقاومتی خراسان رضوی و فرمانداری شهرستان خواف، اجرای الگوی مثلث توسعه اقتصادی و فرهنگی با محوریت مدل جامع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را از اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ در شهرستان خواف در تعداد ۸۵ روستا آغاز کرده است (دانشگاه تهران، ۱۳۹۹). "کارگروه ملی سیلاب‌ها" نیز برنامه مشترکی دیگری در این راستا است که در ابلاغیه هیئت‌مدیره آن آمده است: سیلاب پدیده‌ای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است اما کاهش خسارات و بهره‌مندی از فواید مترتب بر سیلاب، تابع میزان آمادگی‌های کشور است. تاب‌آوری ایران در مواجهه با حوادث طبیعی باید افزایش یابد، از تکرار اشتباهات و کاستی‌ها جلوگیری شود و ظرفیت مدیریت سیلاب در این اقلیم خشک و نیمه‌خشک به حداکثر برسد. خساراتی که بر اثر جاری شدن سیلاب در استان‌های مختلف بر مردم عزیز و شریف ایران وارد شده است، احساسات و عواطف عمومی را برانگیخته است. مردم حق دارند پاسخ‌های علمی، معتبر و دقیق درباره ابعاد مختلف این سیلاب‌ها، میزان آمادگی کشور در مقابل سیلاب، شیوه مدیریت بحران، برآورد خسارات و شیوه جبران خسارات و اصلاحات ضروری برای افزایش آمادگی ملی در برابر سیلاب را دریافت کنند. اهداف محوری آن شامل: بررسی علل و عوامل مرتبط با آمادگی و مدیریت سیلاب در حوزه‌های هواشناسی و اقلیم‌شناختی، محیط‌زیستی، زیرساختی، مدیریت منابع آب و سازه‌های آبی، وضعیت مدیریت بحران، امداد و نجات و ارتباطات بحران پس از وقوع سیلاب، ابعاد اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، ارتباطی و مدیریت ریسک و بیمه سیلاب، اصلاحات ساختاری و قانونی برای افزایش تاب‌آوری و توان ملی در مدیریت سیلاب (دانشگاه تهران، ۱۳۹۹). مسئولیت اجتماعی به مفهوم بسیار پراهمیتی در اتحادیه اروپا و در سطح جهانی تبدیل شده است و بخش زیادی از بحث توسعه پایدار در زمینه جهانی‌سازی را به خود اختصاص داده است (واسیلسکو، بارنا، ایپرو و بیکو، ۲۰۱۰). بین‌المللی‌سازی جنبه دیگری از رویکرد مدیریتی است که برای دستیابی به توسعه پایدار از مسیر ارتباط دانشگاه‌ها و جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. نخستین گام برای برقراری بین‌المللی شدن تحقیقات و آموزش، تدبیر از طریق رویکرد مدیریتی آن است که نشانک‌های^{۳۴}

تغییر تنها از درگاه ورود به آن می‌تواند وارد حوزه‌های فعالیت‌های دانشگاه‌ها شود. حال راهکارها و چگونگی به‌کارگیری بین‌المللی شدن تحقیقات و آموزش در بخش تحول‌آفرینی همین مقاله ارائه خواهد شد. به دلیل دامنه وسیع کاربرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تدوین استراتژی‌های طراحی‌شده برای پاسخگویی به نیازهای ذینفعان مختلف، جهت‌گیری مأموریت‌ها، اهداف و اقدامات ویژه بسیار اهمیت دارد. برک و لوگدسون (۱۹۹۶) اقدامات مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی را دارای پنج شرط راهبردی ذکر کرده‌اند: (۱) آن‌ها با مأموریت و اهداف مؤسسات عالی آموزش هماهنگ هستند. (۲) آن‌ها یک وجه افتراق برای دانشگاه‌ها نسبت به سایر دانشگاه‌ها ایجاد می‌کنند. (۳) نیازهای ذینفعان را پیش‌بینی می‌کنند. (۴) توسط نیروهای خارج از سازمان تحمیل نمی‌شوند و (۵) فعالیت‌ها و اقدامات آن توسط ذینفعان به‌راحتی قابل مشاهده است. برای مطالعه چگونگی روند مسئولیت‌پذیری دانشگاه‌ها باید ابتدا مدیریت راهبردی و استراتژیک کار دانشگاه را بررسی نمود. عقیده بر این است که در بسیاری از مؤسسات عالی آموزشی طراحی استراتژیک فقط یک برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت است که به دنبال حل مشکلات خاص است و لزوماً به دنبال توسعه و بسط پروژه و ارتباطات نیست. حال اینکه برنامه‌ریزی راهبردی به دانشگاه‌ها این فرصت را می‌دهد تا با استفاده صحیح و برنامه‌ریزی‌شده از منابع و همچنین از اکثر ظرفیت‌های ممکن در آینده، بهره‌مند شوند (راموس، مارتینز و اودت، ۲۰۱۷). نکته قابل توجه دیگر در رویکرد مدیریتی به این مسئله اشاره دارد که همان‌طور که میزان مسئولیت شرکت به اندازه آن‌ها بستگی دارد و استینر^{۳۵} (۱۹۷۱) در این باره می‌گوید که مسئولیت شرکت‌های بزرگ بیشتر از شرکت‌های کوچک است؛ برای بخش دانشگاه نیز قابل استنباط است که مسئولیت‌ها برای مؤسسات عالی در ابعاد فراگیر به مراتب بزرگ‌تر از شرکت‌ها است زیرا تأثیر بیشتری بر محیط دارد و بر کار روزانه تعداد بیشتری از افراد تأثیر می‌گذارد (راموس، مارتینز و اودت، ۲۰۱۷).

تحول‌آفرینی از طریق آموزش و تحقیق

اساساً برخی از تعاریف مانند تعریف ری‌زر^{۳۶} (۲۰۰۸) مسئولیت‌پذیری اجتماعی را گفتگوی تعاملی با جامعه (ذینفعان) برای ارتقا و توسعه انسانی پایدار قلمداد کرده‌اند. اهمیت این مفهوم با این واقعیت نشان داده می‌شود که بیانیه‌های سیاسی انجمن‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها با طرح مواردی چون آموزش، آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاه و همچنین ایجاد سازمان‌های بین‌المللی برای گسترش این زمینه-

³⁵ Steiner

³⁶ Reiser

ها، مانند اتحادیه مسئولیت اجتماعی دانشگاه که در سال ۲۰۰۸ در ایالات متحده تأسیس شد یکی از پرچالش‌ترین مباحث روز دنیا است (واسیلسکو، بارنا، ایپرو و بیکو، ۲۰۱۰). قدرت این رویکرد در دستیابی به اهداف مسئولیت‌پذیری اجتماعی به حدی است که شیک^{۳۷} و همکارانش (۲۰۱۷) مسئولیت‌پذیری اجتماعی را برابر با تدریس و تحقیق در دانشگاه قلمداد کرده‌اند (بخاری، ۲۰۱۷). از طریق تحقیق و آموزش باکیفیت برای عموم ملت و بشریت می‌توان به سایر جنبه‌های تحول‌آفرینی مسئولیت‌پذیری اجتماعی مؤسسات عالی آموزش مانند ترویج تعهد اکولوژیکی یا زیست‌محیطی برای توسعه پایدار محلی و جهانی، توسعه منابع انسانی، گسترش دانش بشری دسترسی پیدا کرد (اولزاید و هانی‌بانی، ۲۰۱۵). گیبونز^{۳۸} (۲۰۰۵) استدلال می‌کند که امروزه برنامه درسی دانشگاه‌ها تحت تأثیر زمینه‌های جدیدی که در آن فعالیت می‌کنند قرار می‌گیرند؛ مانند تغییر جهت درست و به‌جا در تفکر سیاسی، جهانی‌سازی، نوآوری و اقتصاد دانش؛ در این شرایط، آموزش عالی رقابتی-تر شده است (واسیلسکو، بارنا، ایپرو و بیکو، ۲۰۱۰). در این راستا انجمن ملی دانشگاه سیپرو هارت^{۳۹} در کشور رومانی با هدف ارتقا دانش و فرهنگ در مناطق روستایی، افزایش سطح تعامل در فرآیند شکل‌گیری دانش و ایجاد و گسترش جامعه دانش‌بنیان اقداماتی را انجام داده و به یک عضو پیشرو در این زمینه تبدیل شده است. یک مجموعه غیردولتی در بطن این دانشگاه با هدف اصلی ترویج و پایداری فرهنگ، از افراد مستعد مناطق روستایی حمایت می‌کند تا در سطح ملی شناخته شوند و برای تسهیل انتقال دانش به جوامعی که اقبال کمتری در دریافت خدمات آموزشی دارند و حتی به افراد محلی، فرصتی برای مشارکت اجتماعی در جامعه بزرگ‌تر می‌دهد و از آن‌ها در جهت دسترسی به رسانه‌های یادگیری بیشتر حمایت می‌کند و رویدادهای اجتماعی برای استفاده مفیدتر برای این قبیل از افراد سازمان‌دهی می‌کند. همچنین این دانشگاه در راستای حمایت از نویسندگان، نقاشان و غیره با منابع کم (در صورت وجود) و در جهت ارتقای هنر و فنون آنان دسترسی به یک انتشارات و یا چاپخانه مدرن با حمایت مالی هزینه‌های انتشار را به عهده گرفته است که می‌تواند اقدامی در جهت منافع عمومی جامعه تلقی شود (واسیلسکو، بارنا، ایپرو و بیکو، ۲۰۱۰). مسئولیت‌پذیری اجتماعی در حوزه آموزش و تحقیق شامل راه‌هایی است که یک کارآفرین می‌تواند با نگاهی دقیق به برخی از جنبه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی عملیات انجام امور، به کسب‌وکار خود ارزش افزوده دهد (اولزاید و هانی‌بانی، ۲۰۱۵) و اقتصاد دانش‌محور را

³⁷ Shek, et al

³⁸ Gibbons

³⁹ Spiru Haret

ترویج کند. به عقیده مندز^{۴۰} (۲۰۱۲)، تنها رویکردی که علوم، فناوری و تحقیقات را به اقتصاد مناطق محروم پیوند می‌دهد و آنان را وارد مشارکت می‌نماید، مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها است (اولزاید و هانی‌بانی، ۲۰۱۵). بین‌المللی‌سازی جنبه دیگری از تحقیقات است که می‌تواند از طریق ارتباط فی‌مابین دانشگاه‌ها و جامعه برای دستیابی به توسعه پایداری مورد استفاده قرار گیرد. برای دستیابی به پدیده بین‌المللی شدن، تحقیقات و آموزش دانشگاه‌ها باید مسئولیت‌پذیری اجتماعی را اجرا کنند. گاجاسنی چندین راهکار عملیاتی را برای اجرای مسئولیت‌پذیری اجتماعی مؤسسات آموزش عالی جهت دستیابی به بین‌المللی شدن در تحقیق و آموزش را عنوان کرده است: دانشگاه‌ها باید در جهت اصلاح برنامه‌های درسی خود از طریق ادغام و پیوند دادن آن با اهداف توسعه هزاره آموزش برای همه (EFA) به منظور خدمت به جامعه تلاش کنند. آن‌ها برای ریشه‌کن کردن فقر، گرسنگی و سایر مشکلات دامن‌گیر بشریت، باید به سمت یادگیری غیررسمی و کارآفرینی اجتماعی بروند. این مهم می‌تواند با ارائه راهکارهای متنوع مانند یادگیری از راه دور برای همه سطوح جامعه و تشویق روحیه کارآفرینی در دانشجویان، کارمندان و جامعه از طریق برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی حداقل با سود نسبی، محقق شود. از سوی دیگر دانشگاه‌ها باید جهت ارائه خدمات پژوهشی به بازارهای جهانی و همچنین بازارهای محلی جوامع خودشان برای پاسخگویی به اهداف توسعه هزاره و EFA، جهت‌گیری کنند و تحقیقات انجام‌شده در دانشگاه باید با همکاری نزدیک جامعه و صنعت انجام شود. همچنین دانشگاه‌ها باید نقش مسئولیت‌پذیری اجتماعی را ارتقا ببخشند و از برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات مؤثر بین همه ذینفعان اطمینان حاصل کنند و نه تنها همکاری در کشورهای خود را در نظر بگیرند، بلکه باید این همکاری را به سایر کشورها و مناطق جهان نیز گسترش دهند (اولزاید و هانی‌بانی، ۲۰۱۵). روش‌هایی که توصیه می‌شود که به واسطه آن‌ها از طریق آموزش و پژوهش دانشجویان را تبدیل به افرادی مؤثر و شهروندانی مسئول کرد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: سازمان‌دهی کمپین‌های گسترده در دانشگاه‌ها، با در نظر گرفتن شیوه‌ای متناوب و مداوم و انتشار فرهنگ و آگاهی را در میان دانشجویان، ایجاد نگرش مثبت در میان افکار عمومی دانشجویان از طریق انتشار الگوها و مدل‌های موفق مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اثرات مثبت آن‌ها، اختصاص دوره‌های اجباری و اختیاری مسئولیت‌پذیری که از طریق آن دانشجویان به‌طور رسمی با مفهوم صحیح مسئولیت‌پذیری و ابعاد و اثرات آینده آن بر فرد و جامعه آشنا شوند، پیوند دادن دانشجویان به کاربرد رشته‌های عملی ترکیب‌شده با مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی در اکثر محتوای برنامه‌های درسی با تأکید بر

⁴⁰ Mendez

ارزش‌های ایثار، ترجیح دادن منافع اجتماعی بر منافع شخصی و رعایت حقوق نسل‌های آینده و تعمیق شیوه‌های مسئولیت‌پذیری از طریق فعالیت‌های فوق‌برنامه، برنامه‌ها و مسابقات دانشجویی، همراه با ارائه مشوق‌هایی برای شرکت بیشتر دانشجویان (بخاری، ۲۰۱۷). یک نمونه عملی در تحول‌آفرینی مبتنی بر مسئولیت‌پذیری مؤسسات آموزش عالی، دانشگاه هاشمی در کشور اردن است که خود را متعهد کرده است که با اعطای کمک‌هزینه‌های دانشجویی، گواهینامه‌های برنامه‌های رایانه‌ای و گواهینامه‌های برنامه‌های شغلی (به‌عنوان مثال کمک پرستاری، کمک پزشکی و غیره)، فارغ از منابع مادی، به همه برنامه‌های اجتماعی دسترسی پیدا کند و البته هدف دانشگاه هاشمی گسترش و توسعه آموزش عالی کشورش است. تعداد فعلی دانشجویان این دانشگاه (۲۸۰۰۰) پوند دانشجویان تمام‌وقت و نیمه‌وقت) نشان می‌دهد که این هدف توسط جامعه تأیید شده است. از دیگر سو این دانشگاه با نصب واحدهای تولید انرژی خورشیدی در محیط دانشگاه، اقدامات صرفه-جویانه در انرژی را به کار گرفته و استفاده از منابع تجدیدپذیر انرژی را در دانشگاه توسعه می‌دهد. همچنین دانشگاه هاشمی بدون استفاده از کاغذ برای ارتباطات داخلی و بازیافت مواد زائد، کاهش استفاده از کاغذ را تشویق می‌کند. علاوه بر این، برای بزرگداشت روز جهانی درخت، طی سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، هفت هزار و ۵۰۰ درخت کاشت که نشان‌دهنده تعهد این دانشگاه به حفظ و نگهداری محیط‌زیست است و تلاش می‌کند تا محیطی دلپذیر، سالم و ایمن را برای دانشجویان و کارمندان ایجاد کند. این دانشگاه از همان روز تأسیس از طریق تعدادی فعالیت و ابتکار عمل در بهبود جامعه محلی و ملی مشارکت داشته است. Open Medical Days یک برنامه اصلی این دانشگاه است که توسعه و رشد سلامت جامعه را ایجاب می‌کند. دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی، گروه‌های پزشکی، پرستاری و بهداشت و سایر کارگروه در استان‌های زرقا و مفرق خدمات درمانی رایگان را در اختیار افراد نیازمند قرار می‌دهند. حضور و وجود این دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی باعث ایجاد احساس مسئولیت مدنی می‌شود و دانشجویان را قادر می‌سازد تا شهروندانی با مسئولیت اجتماعی باشند، از لحاظ ابعاد بین‌المللی نیز این دانشگاه با چندین کشور مانند لبنان، ایرلند، انگلستان در تدوین برنامه‌های جامع این اقدامات در حال مشارکت، رایزنی و تبادل اطلاعات است. این دانشگاه همچنین با تصویب راه‌اندازی مدارس دولتی که در مناطق دورافتاده و کم‌برخوردار در استان زرقا واقع شده‌اند، بر تعهد خود نسبت به مسئولیت اجتماعی افزوده است. دانشگاه هاشمی کلیه برنامه‌های آموزشی، بهداشتی و پیشگیری این مدارس را توسط بخش‌های پزشکی، پرستاری و بهداشتی حمایت می‌کند (اولزاید و هانی‌بانی، ۲۰۱۵).

توسعه ارزشی و هنجاری جامعه به‌واسطه ارتباط با دانشگاه

باید در نظر داشت که نقش دانشگاه‌ها در ارائه آموزش و صلاحیت خروجی‌های آن‌ها برای بازار کار و همچنین شیوه انتشار تحقیقات دانشگاهی تغییر کرده است. دانشگاه‌ها تقریباً مسئولیت خود را در آموزش جوانان و توسعه تحقیقات انجام می‌دهند. باین‌حال به دو مأموریت فوق‌الذکر مأموریت‌سومی نیز اضافه شده است که دانشگاه‌ها را با جامعه درگیر می‌کند. در این رابطه دانشگاه‌ها نقش اجتماعی گسترده‌تری دارند و مجهز به یک تعهد اخلاقی می‌شوند که در توجه به مسائل اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی و سایر مشکلات جامعه تبلور می‌یابد. پورتر و کرامر^{۴۱} در مقاله "ایجاد ارزش مشترک" اظهار می‌دارند که سازمان‌ها باید به دنبال هماهنگی کسب‌وکار خود با نیازها و چالش‌های اجتماعی باشند و نه تنها در درون شرکت، بلکه در محیط آن نیز ارزش‌آفرینی کنند، که این امر تلاش دیگری را برای تأمین نیازهای اجتماعی را نشان می‌دهد. هدف از مطالعات مسئولیت‌پذیری دانشگاه‌ها پیشرفت لازم در راستای توسعه ارزش‌ها و موردتوجه قرار دادن مسئولیت‌های مدنی است. به‌طور خاص، این توجه به توانایی دانشگاه برای تأثیرگذاری بر آموزش شهروندان در جهانی بین‌المللی شده است و توجه دانشگاه‌ها را به ساختن جامعه‌ای عادلانه‌تر معطوف می‌گرداند (راموس، مارتینز و اودت، ۲۰۱۷) تا جایی که بام‌گاتر و اینر^{۴۲} عقیده دارند: مسئولیت‌پذیری اجتماعی تعهدی است برای دنبال کردن سیاست‌ها جهت تصمیم‌گیری و پیروی از دستورالعمل‌هایی که با اهداف و ارزش‌های جامعه سازگار دارند (بخاری، ۲۰۱۷). از این حیث فرایند بولونیا^{۴۳} انقلابی در آموزش عالی ایجاد کرده است تا نیازهای جامعه قرن ۲۱ را برآورده کند. برخی کماکان در برابر مزایای این تغییر مقاومت می‌کنند اما بیشتر دانشگاه‌ها امضاکنندگان^{۴۴} سند روند بولونیا هستند و مفاهیم اصلی آن، یعنی استقلال دانشگاهی و آزادی را به‌عنوان اشکال جدید جامعه با موفقیت پیاده‌سازی کرده‌اند. مسئولیت "آموزش عالی انبوه" یک واقعیت است و یادگیری مادام‌العمر در جامعه جدید یک امر ضروری است. دانشگاه‌های اروپا متعهد هستند دانش‌آموزان را به‌عنوان افراد کاملاً درگیر و فداکار، نه به‌عنوان شخصیت‌های فردی بلکه به‌عنوان شخصیت‌های اجتماعی، نسبت به نیازهای جامعه متعهد کنند. این پاسخگویی در برابر جامعه شامل استیلائی فردی اما به نفع جامعه و چالش‌های اصلی آن است، مانند تغییر آب‌وهوا، نابرابری-

⁴¹ & Kramer Porter

⁴² Ebner & Baumgartner

⁴³ فرایند بولونیا (Bologna Process) توافقنامه‌ای است که در پی برگزاری جلسات متعدد بین وزراء کشورهای اروپایی منعقد شد با دنبال کردن این هدف که اطمینان حاصل شود استانداردهای تحصیلی در تمامی کشورهای اروپایی برقرار است و رعایت می‌شود.

⁴⁴ Magna Charta Universitatum

های جهانی، حفاظت از محیط‌زیست و بازیافت (واسیلسکو، بارنا، ایپرو و بیکو، ۲۰۱۰). راهکارها و توصیه‌هایی که می‌توان برای توسعه رویکرد هنجاری مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها ارائه داد: جذب کارکنانی که در زمینه رشته‌های جدید برجسته و کارآمد هستند و می‌توانند بر این جنبه تمرکز کنند؛ بالا بردن ارزش‌های اخلاقی، اخلاق کاری، تعهد، احساس تعلق و احساس مسئولیت در میان دانشکده‌ها از طریق جلسات، کارگاه‌ها و غیره، ارائه مشوق‌های مختلف برای پاسخ اجتماعی و کمک‌های کارکنان خود در ارائه خدمات اجتماعی و ابتکارات اجتماعی، چه از طریق ارزیابی تحصیلی و چه از طریق تبلیغات؛ تشویق دانشگاهیان به پرورش ارزش‌های حفظ منابع مختلف (آب، انرژی، کاغذ و ...) در ذهن دانشجویان در داخل و خارج از دانشگاه، با عادت دادن آن‌ها به رعایت رفتار فرهنگی و متمدنانه و تعهد اخلاقی در طول سخنرانی‌ها و هدایت دانشگاهیان به انجام تحقیق و مطالعه در زمینه‌های توسعه پایدار و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حمایت‌های اخلاقی، مالی و اداری موردنیاز آن‌ها (بخاری، ۲۰۱۷). همان‌طور که در این مطالعه بررسی شد راهکارهای زیادی برای توسعه مسئولیت‌پذیری دانشگاه‌ها وجود دارد اما در مقابل موانع سخت و نهادینه‌شده‌ای قرار دارند که ناگهان مسیر اصلی مسئولیت‌پذیری را منحرف می‌نمایند مانند محصور شدن آن در کارهای خیریه. قرار نیست مسئولیت‌پذیری در دانشگاه‌ها آن‌ها را تبدیل به مؤسسات خیریه نماید، بلکه هدف اصلی دانشگاه‌ها این است که جامعه را در سطح علمی و فرهنگی اعتلا ببخشد و هم‌زمان تولید علم کاربردی نماید. یکی دیگر از این موانع، عدم سازمان‌دهی درست نیروها و علوم در اختیار است که به رویکرد مدیریتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی برمی‌گردد. عدم سازمان‌دهی، فعالیت‌ها و امور اجرایی دانشگاه‌ها را با شکست در تحقق یافتن اهداف مواجه می‌نماید که این خود باعث دلسردی و ناامیدی در بسیاری از ذینفعان می‌شود در صورتی که در نقطه مقابل آن، تبلور اهداف باعث می‌شود افراد اشتیاق بیشتری برای توسعه و پویایی پیدا کنند.

نتیجه‌گیری

مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها مانند هر پدیده اجتماعی دیگری با گفتمان‌سازی بیشتر در مؤسسات آموزش عالی و جامعه ذینفعان نهادینه می‌شود و استفاده از تجارب عملی دانشگاه‌ها در این رابطه و اشتراک‌گذاری آن نیز باعث می‌شود این مقوله جایگاه اصلی خود را بیابد. همان‌گونه که در یافته‌های پژوهش یامچلو، ایبلی و فرامرز در سال ۱۳۹۶ آمده است، دانشگاه تهران موفقیت مطلوب و رضایت‌بخشی در زمینه کاربرد مسئولیت‌پذیری

اجتماعی به دست نیاورده است اما در سال‌های اخیر شاهد نشانه‌های تغییر و بعضاً روندهای رو به رشد این دانشگاه در این حیطة بوده‌ایم و آمادگی و توان به‌کارگیری آن در سطوح وسیع‌تر وجود دارد، لذا برای پیمودن راه درست ابتدا باید از رویکردهای مدیریتی آغاز کرد و برنامه‌هایی که مسئولیت‌پذیری اجتماعی مؤسسات آموزش عالی را به تعالی می‌رسانند را از طریق به‌کارگیری طراحی‌های راهبردی و تدوین برنامه‌های جامع اقدام با در نظر گرفتن سناریوهایی برای آینده‌های ممکن جامعه اجرا کرد. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حفظ اعتماد عمومی در قالب تضمین اجرای پروژه‌های اجتماعی است که هم دانشگاه‌ها را رقابتی می‌نماید و هم باعث هم‌افزایی آن‌ها می‌شود و از سوی دیگر دستاوردهای علمی را وارد عرصه کاربرد می‌نماید و نیروی انسانی مشغول به کار در دانشگاه‌ها را از حیث دانشجویی و اعضای هیئت‌علمی، متبلور، برجسته و مشتاق می‌نماید. رشد و توسعه‌ی مناطق محروم در سایه‌ی استفاده از توان علمی دانشگاه‌ها و نیروهای جوان و جویای نامی که در حیطة خود می‌پروراند، تحقق می‌یابد و ارزش‌های اجتماعی جدید و مقبولی به جامعه تزریق نماید.

منابع

۱. دانشگاه تهران. (۱۳۹۹). <https://ut.ac.ir/fa/news/13736>.
۲. دانشگاه تهران. (۱۳۹۹). <https://ut.ac.ir/fa/news/14539>.
۳. دانشگاه تهران. (۱۳۹۹). <https://ut.ac.ir/fa/news/7956>.
۴. شفائی یامچلو، طاهره؛ ایلی، خدایار و فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۶). مطالعه شناخت وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه مبتنی بر الگوی والایس: بر اساس دیدگاه هیئت‌علمی دانشگاه تهران. فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران. (۸) ۴.
5. Alzyoud, S.A. & Bani-Hani, K. (2015). Social Responsibility In Higher Education Institutions: Application Case From The Middle East. *European Scientific Journal* (11).8.
6. Amorim, J. P.; Freires, T.; Loja, E.; Rodrigues, F.; Coimbra, J. L.; Menezes, I. (2015). *Project Outcomes & Results: WHAT IS UNIVERSITY SOCIAL RESPONSIBILITY?; University Social Responsibility: A Common European Reference Framework*. University Politehnica of Bucharest. <http://www.eu-usr.eu>
7. Amorim, J.P; Borcos, A.; Božič, T.; Coelho, M.; Coimbra, J.L.; Dias, T.; Dima, G.; Fritz, J.; Gomes, I.; Janžekovič, P.; Miret, J.M.; Menezes, I.; Resch, K.; Rodrigues, F.; Slowey, M.; Uras, F.; Vidal, I.; Wallace, M. & Weißenböck, CH. (2017). *Guidelines for Universities Engaging in Social Responsibility*. www.postgraduatecenter.at/unibility.

8. Bokhari, A. (2017). Universities' Social Responsibility (USR) and Sustainable Development: Conceptual Framework. SSRG International Journal of Economics and Management Studies (SSRG-IJEMS) (4) 12. www.internationaljournalsssrg.org.
9. Chen, SH.; Nasongkhla, J. & Donaldson, J.A. (2015). University Social Responsibility (USR): Identifying an Ethical Foundation within Higher Education Institutions. The Turkish Online Journal of Educational Technology. (14).4.
10. Martínez-Valdivia, E.; Pegalajar-Palomino, C. & Burgos-García, A. (2020). Social Responsibility and University Teacher Training: Keys to Commitment and Social Justice into Schools. Sustainability. *doi:10.3390/su12156179*.
11. Ramos-Monge, Elva L.; Audet, X.L.; Barrena-Martínez, J.(2018). Universities as Corporate Entities: The Role of Social Responsibility in Their Strategic Management. <http://dx.doi.org/10.5772/intechopen.69931>.
12. Ramos-Monge, Elva L.; Audet, X.L.; Barrena-Martínez, J.(2019). Drivers and Barriers of University Social Responsibility: Integration. <https://doi.org/10.1504/WREMSD.2019.098475>.
13. University Meets Social Responsibility (UNIBILITY) – 2015-2017. (2017). *Grant Agreement No.: 2015-1-AT01_K203-005033*. www.iau-hesd.net
14. Vallaey, F. (2017). University Social Responsibility: A Mature And Respnible Definition. <http://www.guninetwork.org/>.
15. Vasilescu, R.; Barna, C.; Epure, M. & Baicu, C. (2010). Developing university social responsibility: A model for the challenges of the new civil society. www.sciencedirect.com.
16. Wach, E., & Ward, R. (2013). Learning about qualitative document analysis. Institute of Development Studies Brighton BN1 9RE UK. Available in www.ids.ac.uk/publications/ids-series-titles/practice-papers-in-brief.